



فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر

www.lthjournal.ir



دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

بررسی قاعده تسبیب در فقه امامیه و حقوق کیفری در نظام حقوقی ایران

مليحه ابوالقاسمی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده

قاعده تسبیب یکی از قواعد فقهی حقوقی در باب ضمان است که در حقوق مدنی، جبران خسارت و در حقوق کیفری، مجازات را در پی دارد. وقوع جرم یا ورود ضرر به دیگری همواره به صورت مستقیم و از طریق مباشرت صورت نمی‌گیرد. بلکه در بسیاری از امور کیفری و مدنی شخص به طور غیرمستقیم و از طریق تسبیب سبب تلف مال ورود ضرر به دیگری و یا تحقق جرم می‌شود که بسته به نوع عمل مرتكب برای وی مسؤولیت مدنی یا کیفری یا هر دو ایجاد می‌گردد و نظر به اینکه عمل مسبب می‌تواند به صورت عمدی یا غیرعمدی، سلبی یا ایجابی باشد و به اشکال مختلف اعماز تسبیب محض، اجتماع سبب و مباشر و اجتماع اسباب تحقق پیدا کند؛ از این‌رو تعیین فرد یا افراد مسؤول در بسیاری از موارد بهویژه در اجتماع سبب و مباشر و بهخصوص، جایی که سبب اقوی از مباشر است، برای تحملی مجازات یا جبران خسارت از اهمیت خاصی برخوردار است. در این پژوهش قاعده تسبیب در حقوق کیفری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۱-۱۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:-

تلفن:

ایمیل: malihehabolghasemi@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱

وازگان کلیدی:

قاعده تسبیب، ضمان، مسؤولیت

کیفری، سبب و مباشر.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

مباحث نظری مربوط به رابطه سبیت و زوایای آن در حقوق کیفری کشور ما همچنان در هاله‌ای از تردید و تشتبه قرار دارد و هنوز تفکیک دقیق و جامعی درخصوص رابطه استناد در حقوق کیفری و آثار آن در مقایسه با مسؤولیت مدنی انجام نگرفته است. به همین ترتیب در رویه قضائی و عرف آرای قضائی نیز نظریه واحد و منسجمی ملاحظه نمی‌شود. کانون توجه همه اندیشمندان به هنگام بحث درخصوص رابطه سبیت، مباحث ضمان و میزان پرداخت خسارت به قربانیان جرم است و گویا اهمیت اجتماعی تقصیر و سرزنش کیفری نادیده گرفته شده و شأن آن، همپایه مسائل مسؤولیت مدنی تلقی می‌شود. ولی باید به این نکته توجه کرد که مسأله شناخت بزهکار مسأله‌ای است بسیار اساسی و آثار بسیار مهمی به لحاظ اجتماعی بر زندگی اشخاص دارد. از این‌رو باید رابطه استناد را یکی از ارکان احراز مسؤولیت کیفری قلمداد کرده و پیش از تصور جبران خسارت، به شأن حقوق کیفری در سرزنش افراد بر مبنای قابلیت انتساب اعمال ضداجتماعی به ایشان، احترام گذاشته شود (فری دو ملکوتی، ۱۳۹۴: ۱۵۷).

بیشتر مؤلفان در این حوزه معتقدند که قانون باید به صراحة معیاری را ارائه کرده و قاضی دادگاه با تطبیق حقایق و وقایع با آن معیار رابطه استناد را احراز کرده و سپس شخص را مسئول حادثه بشناسد، ولی علاوه‌بر این لازم است رویه قضائی با بهره‌گیری از منابع مختلف بهویژه آرای فقهی، شرایط و واقعیات هر پرونده را مدنظر قرار داده و با در نظر گرفتن عرف، رابطه سبیت را تبیین کند.

آنچه باید مورد توجه قرار بگیرد تفکیک نظری مسؤولیت از لحاظ مدنی و کیفری است. به نظر می‌رسد تنظیم‌کنندگان مقررات کیفری باید در تمامی مراحل، با مطلع‌نظر قراردادن مبانی حقوق کیفری، سبک و سیاق قانون اعم‌از ماده، شکل و ادبیات آن را منطبق با آن مبانی کنند. به طور مسلم در چنین صورتی است که راه اختلاط دو مبحث و اصطلاحات و ابزارهایشان با یکدیگر مسلود می‌شود. تبعاً براساس ادبیات کیفری، مسؤولیت کیفری مقدم بر موجبات ضمان و به عنوان کانون بحث در رابطه سبیت قرار خواهد گرفت و پرداخت خسارت به عنوان امری لازم ولی متفرع بر مسؤولیت کیفری محقق خواهد شد.

۱- تعریف لغوی سبب

سبب در لغت به معنای وسیله و راه است و جمع آن اسباب می‌باشد. «به هر چیزی که آدمی را به چیز دیگر می‌رساند سبب گفته می‌شود و راه را هم به همین دلیل سبب می‌گویند» (رضایی‌راد، ۱۳۹۲: ۶۰).

سبب در لغت به هر وسیله‌ای گویند که انسان را به یکی از اهدافش برساند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۶۷).

در اصطلاح علم فقه، سبب و مسبب به چیزی می‌گویند که به طور غیرمستقیم در پدیده دیگر مؤثر باشد و نقطه مقابل آن مباشر است. مباشر کسی است که مستقیماً در پدیده‌ای مؤثر باشد. مثلاً اگر کسی با شلیک یک گلوله فردی را به قتل برساند، مباشر قتل است، اما اگر بر سر راه او چاله‌ای بکند و خود آن فرد در آن چاله بیفت و بمیرد، آن‌کس که چاله را کنده است، مسبب قتل می‌باشد. دلالت مستقیم در پدیده‌ای را مباشرت و دلالت غیرمستقیم را تسبیب گویند (رضایی‌راد، ۱۳۹۱: ۷۸).

۲- قاعده تسبیب در فقه امامیه

مستندات قاعده تسبیب را می‌توان در ۱- قران؛ ۲- روایات؛ ۳- بنای عقل؛ ۴- اجماع مطرح نمود.

۱- قران

۱- «فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم» (بقره/ ۱۹۴) هر کس به شما تجاوز کرد به مانند آن، بر او تعذی کنید.

این یک دستور کلی است که مقابله به مثل، وظیفه هر فرد مسلمان است و به همه مسلمین اجازه داده شده در مقابل متجاوز پاسخ‌گو باشند. این دستور برخلاف آن چیزی است که مسیحیت امروز مدعی می‌باشد که اگر سیلی به گونه راستت زدن، طرف دیگر صورت را تسليم کن. آیه از نظر اعتداء تجاوز مطلق است و هم شامل تجاوز به مال و هم تجاوز بر جان می‌باشد؛ البته اعتداء به مثل بدین معنا نیست که هرچه طرف انجام داد، او نیز انجام دهد، بلکه به معنای آن است که قیمت و ضرر را که به او وارد کرده به هر عنوان که می‌تواند، جبران کند، مثلاً اگر خانه او را سوزانند خسارت بگیرد (مشایخی، ۱۳۸۴: ۴).

بررسی سندی: در سند این روایت، پدر علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم است و مراد از ابن ابی عمیر، محمد بن ابی عمیر است. حماد، حماد بن عثمان می‌باشد و مراد از حلبی، عبید الله بن علی بن ابی شعبه. البته حماد چه ابن عثمان باشد و چه ابن عیسی هر دو ثقہ‌اند. تمام برادران حلبی نیز موثق هستند (نجاشی، ۱۴۲۴: ۱۴۲).

بررسی دلالی: در اینجا با چهار امر مواجهیم: ۱- فردی که چیزی را در راه مسلمانان قرار داده است (واضع); ۲- چیزی که در راه قرار داده شده است؛ ۳- فردی که سوار بر چهارپایی است (راکب)؛ ۴- چهارپایی (مرکوب). آن چیز، سبب رم کردن مرکوب شده و مرکوب به راکش صدمه زده است. این حدیث، واضح را ضامن جبران خسارت معرفی می‌کند. عاملی که مستقیماً به راکب صدمه زده است، مرکوبش بوده، اما مرکوب اختیار مسؤولیت‌آوری ندارد، پس سبب رم کردن مرکوب، آن چیز بوده است، اما آن نیز اختیاری نداشته، پس واضح آن چیز که اختیار مسؤولیت‌آور دارد، ضامن جبران ضرر و مسبب ضرر می‌باشد؛ زیرا با فعل اش، سبب رم کردن مرکوب شده و چون مرکوب، اختیار مسؤولیت‌آوری ندارد، وی ضامن به تسبیب است. بر طبق این حدیث، هر چیزی که در معبر عمومی مسلمانان قرار گیرد و موجب ضرر شود، واضح آن چیز، ضامن جبران خسارت‌ها و ضررهاست، خواه با قصد ضرررسانی به دیگران آن کار را انجام داده باشد یا بدون این قصد؛ و خواه با دستور فرد دیگری آن کار را انجام داده با بدون آن نیز در تمامی فروض دیگر، حکم همین است؛ زیرا روایت عام است و لفظ «کل» در آن استفاده شده است. (میرحسینی، ۱۳۹۳: ۱۳۲).

در این حدیث ترکیب «راه مسلمانان» به کار رفته است، اما این تعبیر به هیچ وجه موضوعیتی برای ضمان ندارد و ملاکی برای آن بهشمار نمی‌رود؛ زیرا موضوع باب ضمانت این است که آدمی با اختیار مسؤولیت‌آوری که دارد موجب ضرر رسیدن به اموال یا نفوس محترم شود و چون اموال و نفوس مسلمانان با کسانی که مانند ایشان‌اند (مثل کافران ذمی) محترم می‌باشد، برای فهماندن این مهم، از آن تعبیر استفاده شده است.

از نکات قابل توجه این است که امام نیز از واژه «ضرر» استفاده کرده‌اند نه از کلماتی مثل «تلف»؛ زیرا معنای کلمه «ضرر» عامتر از معنای کلمه «تلف» می‌باشد؛ مثلاً اگر فردی مانع

۲- «وَ إِنْ عَاقِبُتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عَوَقْبَتُمْ بِهِ» (نحل/ ۱۲۶) اگر خواستید مجازات کنید فقط به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید (نه بیشتر).

شأن نزول آیه مربوط به جنگ اُحد است که وقتی پیامبر اسلام دیدند حضرت حمزه را مثله کردند، فرمودند: اگر بر آن‌ها ظفر یابیم، مانند آن‌ها خواهم کرد که آیه نازل شد که از نظر کیفر همانند آن‌ها انجام بده، لیکن اگر صبر کنی برای تو بهتر است که پیامبر سه مرتبه فرمودند: خدایا صبر می‌کنم. آیه مذکور درصورتی مدرک قاعده واقع می‌شود که معاقبه، شامل مال و جان هر دو بشود، چون معاقبه در لغت به معنای مجازات برگناه است و شمول آن نسبت به اموال روش نیست (مشايخی، ۱۳۸۳: ۴).

۳- «وَ جَزُؤًا سَيِّئَهِ سَيِّئَهُ مُثْلُهَا فَمِنْ عَفَا وَ اصْلَحَ فَأُجْرُهُ عَلَى اللَّهِ أَنَّهُ لَا يَحِبُّ الظَّالِمِينَ» (شوری/ ۴۰) و کیفر بدی مجازاتی همانند آن است و هر کس عفو و اصلاح کند، اجر و پاداش او بر خاست، خداوند ظالمان را دوست ندارد.

این آیه نیز درصورتی مدرک قاعده واقع می‌شود که اطلاق سیئه و عموم آن شامل اموال و منافع گردد و معنای آیه چنین شود که هر کس نسبت به مال و جان بدی کرد طرف مقابل همان کار را انجام دهد. البته این بدین معنا نیست که مال طرف را تلف کند، بلکه از اموال او تقاضا کند و راجع به تلف جان و قتل، حکم مخصوص خود را دارد.

۲-۲- روایات

صاحب جواهر درباره ضمان ناشی از تسبیب ادعای اجماع فقهاء را نموده و هر نوع اختلاف را در این زمینه نفی کرده است و علاوه بر نفی خلاف، به روایاتی نیز تمسک جسته است که ما به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

نخست: صحیحه حلبی است که می‌گوید: (از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که چیزی را در راه دیگری قرار دهد، به‌طوری که مرکب شخصی در برخورد با آن رم کند و صاحبیش را به زمین زند، حکم قضیه چیست؟) حضرت فرمودند: هر چیزی که در راه مسلمین به آنان ضرر بزند، صاحب آن چیز ضامن پیامدهای آن است) (حر عاملی، ۱۴۱۹: ۱۰۱).

در این حدیث سبب ایجاد ضرر، چاه می‌باشد که روشن است چاه اختیار و مسؤولیتی ندارد، پس آن فردی که آن را حفر کرده است، ضامن جبران خسارت می‌باشد؛ زیرا چاه‌کن بهوسیله چاه به فردی ضرر زده است و چاه، ایجادکننده‌اش (چاه‌کن) را به شخص ضررده‌یده متصل می‌کند، پس چاه‌کن می‌شود مسبب آن ضرر. در این حدیث فقط فاعل آن فعلی که سبب ضرر به دیگری شده، ضامن معرفی می‌شود به ضمان تسبیب، نه آن فردی که به فاعل دستور انجام آن فعل را داده و نه صاحب ملکی که بدون اجازه‌اش در ملکش آن فعل انجام شده است. بله ممکن است بتوان فروض دیگری را نیز در اینجا مطرح کرد، مانند اینکه مسؤولیت یا ضامنی غیر از ضمان تسبیب، متوجه بعضی از آن‌ها باشد، اما این حدیث فقط دلالت به مورد مذکور می‌کند. باز هم متذکر می‌شویم که ما در این بحث فقط به‌دلیل ضامن به ضمان تسبیب و به دست‌آوردن ملاک‌های آن هستیم (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

سوم: فقهای ما در کتاب‌های فقهی‌شان به استناد روایات وارد در این باب فرموده‌اند: «هرگاه دو نفر شهادت دروغ بر گنهکاری متهمن دهند و قاضی شرع به استناد شهادت آنان حکم به مجرمیت او کند و حکم به مرحله اجرا گذاشته شود و سپس شهود از گفته خود برگردند و حقیقت حال را بیان کنند، آنان (شهود) ضامن و مسؤول خواهند بود و بحسب مورد، حدود مسؤولیت آنان متفاوت است؛ چنان‌که اگر حکم، اعدام و شهادت دروغ، عمدی بوده و مسؤولیت آنان قتل عمدی است و اگر در همین فرض، شهادت دروغ آنان خطایی بوده، مسؤولیت آنان قتل خطایی و پرداخت دیه مقتول است.»

«راوی از امام صادق علیه‌السلام درباره مردی متأهل که چهار نفر شهادت زنا برایش داده‌اند و حاکم حکم به قتل او کرده و او کشته شد، لکن یکی از شهود از شهادتش برگشته است، سوال کرد که حکم‌ش چیست؟ حضرت فرمودند: اگر شاهدی که رجوع کرده مدعی اشتباہ است، باید دیه مقتول را پردازد و اگر می‌گوید: عمدًاً دروغ گفته‌ام، قصاص می‌شود» (طاهری، ۱۳۸۷: ۳۱۴).

بررسی سندی: راویان این حدیث مانند حدیث نخست موثق هستند.

دسترسی صاحب تاکسی به اتومبیل اش شود، گرچه آن مال را تلف نکرده، موجب ضرر به صاحب تاکسی شده است. همچنین است اگر فردی، انسان حر عاقل بالغی را حبس کند به‌طوری‌که نتواند درآمد روزانه‌اش را کسب کند. اگرچه بیشتر فقیهان، ثبوت ضمان را در مورد اخیر به‌دلیل عدم شمول قاعده اتلاف و علی‌الید نپذیرفته‌اند، تعداد متنابه‌ی از ایشان آن را قبول کرده‌اند، مانند مرحوم سید در العرووه‌الوثقی و تمام فقیهاتی که بر متن ایشان حاشیه نزده‌اند (طباطبائی‌یزدی، ۱۴۱۹: ۴۵-۴۰).

دوم: صحیحه زراره است. ایشان می‌گوید: «به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم کسی که چاهی در غیر ملک خویش حفر کند و عابری در حین عبور در آن بیفت، حکم قضیه چیست؟ حضرت فرمودند: بر حفرکننده چاه، ضمان است؛ برای این که هرکس چاهی در غیر ملک خود حفر کند، ضمان می‌باشد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۴۱).

بررسی سندی: در این روایت ابن ابی نجران و مثنی واقع شده‌اند. ابن ابی نجران، عبدالرحمن بن ابی‌نجران است و اسمش عمرو بن مسلم. مثنی نیز مثنی بن ولید‌الحناط می‌باشد. اصل این حدیث را جناب کلینی در الکافی آورده است. طریق ایشان به ابن ابی‌نجران صحیح می‌باشد و بقیه رجال نیز ثقه هستند (نجاشی، ۱۴۲۴: ۲۳۵).

بررسی دلالی: حضرت در اینجا چاه‌کنی را که در غیر ملکش چاهی حفر کرده است، ضامن معرفی می‌کند، اما با استفاده از دیگر ادله روایی درمی‌یابیم اینکه چاه‌کن، مالک زمین چاه نبوده، دلیل ضمان نیست، بلکه مجازبودن حفر چاه در ملک غیر، دلیل ضمان می‌باشد. بنابراین اجازه شرعی‌نداشتن فاعل برای انجام کارش یکی از ملاک‌های تعیین ضامن است. مجازبودن فعل می‌تواند به‌دلیل مجازبودن خود آن فعل یا متعلقاتش مانند حالات، زمان، مکان، موضع وقوع و ... باشد که در انتهای همگی این‌ها منجر به مجازبودن انجام آن فعل می‌شوند؛ برای مثال انجام فعلی مانند رانندگی برای فردی که مهارت دارد، مجاز می‌باشد اما هنگام تصادف وی با عابران پیاده‌ای که مقص نیست، اراده شارع این نبوده است که وی مجاز به تصادف می‌باشد؛ چراکه با فرض بی‌نقص‌بودن وسیله نقلیه و خیابان، راننده بی‌احتیاطی کرده است و شارع، اجازه رانندگی با بی‌احتیاطی را نداده است (میرحسینی و آب‌سواران، ۱۳۹۹: ۱۳۰).

۴-۲-اجماع

اجماع فقهاء و علماء نیز بر قاعده ائتلاف وارد شده است، گرچه در موارد وجود دلیل قرآنی و روایی نیاز به اجماع نیست (مشايخی، ۷: ۱۳۸۲).

شیخ الطائفه در مبسوط نقل می‌کند: «اگر حیوانی زراعتی را که در دست دیگران است از بین ببرد، در صورتی که صاحب حیوان بر آن مسلط باشد، ضامن زراعت از بین رفته است.»

۳-تسبیب در حقوق کیفری

۱-۳-تسبیب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

تسبیب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در ماده ۵۰۶ چنین تعریف شده است: «تسبیب در جنایت آن است که کسی به تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود، به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شود، مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.»

مالحظه می‌شود که این تعریف عیناً همان تعریف حقوق مدنی از سبب است. اما راجع به شرایط تسبیب نیز از دقت در مواد مربوطه در قانون مجازات اسلامی (مواد ۵۰۷ تا ۵۳۷) ملاحظه می‌شود که دقیقاً همان شرایطی که برای تحقق تسبیب در حقوق مدنی وجود داشت و به آن اشاره شد در قانون مجازات اسلامی هم وجود دارد که از جمله آن تقصیر یا تعدی و تغیری است. برای نمونه هرگاه شخصی در معابر و اماكن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری شود، ضامن دیه است، مگر اینکه فرد آسیب دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمدتاً با آن برخورد کند. همچنین طبق ماده ۵۱۲ این قانون: «هرگاه شخصی در محل هایی که توقف در آنها مجاز نیست توقف کند یا شیء و یا حیوانی را در این قبیل محل‌ها مستقر سازد یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و دیگری بدون توجه به آنها در اثر برخورد یا لغزش مصدوم شود یا فوت کند یا خسارت مالی ببیند، شخص متوقف یا کسی که آن شیء یا حیوان را ریختن نموده یا راه را لغزنده کرده است، ضامن دیه و سایر خسارت می‌باشد...». مسلم است که مسؤولیت چنین کسی به خاطر تقصیر او می‌باشد، زیرا گذاشتن شیء در محل غیرمجاز یا ریختن ماده‌ای لغزنده در شوارع عمومی عملی غیرعقلانی و قبل سرزنش است. به طور کلی، با تأمل در مواد قانون مجازات اسلامی می‌توان به لزوم وجود

بررسی دلالی: در اینجا دو نفر آسیب دیده‌اند. آسیب دیده اول به دست مرد هُل دهنده مباشرت‌آسیب دیده است، اما آسیب دیده دوم که مورد بحث ماست به وسیله حیوان رم کرده، اما حیوان، اختیار مسؤولیت‌آور ندارد. پس فردی که آن را رم داده، یعنی آسیب دیده نخست، ضامن است، اما وی نیز ضامن نیست؛ چراکه وی در رم دادن حیوانش مختار نبوده و بر اثر هُل داده شدن به دست فردی دیگر، موجب رم دادن حیوان شده است، پس هُل دادن مرد هُل دهنده، سبب ضرر به آسیب دیده دوم شده است و مرد هُل دهنده، ضامن ضرر به آسیب دیده اول به ضامن مباشرت و ضامن ضرر به آسیب دیده دوم به ضامن تسبیب است. از نکات تأمل برانگیز آن است که با اینکه بین آسیب دیده دوم و مرد هُل دهنده، دو واسطه وجود دارد، امام (ع) ضامن ضرر را مرد هُل دهنده معرفی می‌کند.

درت مامی احادیث پیش گفته، امام (ع) فقط در مقام بیان تعیین مسبب ضرر و ضامن به ضامن تسبیب بوده است، اما در مورد اینکه آن‌ها با قصد قبلی این اسباب را ایجاد کرده‌اند تا مستوجب قصاص شوند یا بدون قصد قبلی، این احادیث ساکن هستند. با تکیه بر احادیث قصاص و دیات می‌توان دریافت که اگر آن‌ها با قصد قبلی این اسباب را فراهم کرده باشند، مستوجب قصاص خواهند بود و در غیر این صورت، ضامن جبران خسارت‌اند.

۳-۲-بناء عقلا

علاوه بر دلالت آیات و روایات فراوان بر این قاعده عقلا و عرف جامعه نیز به این قاعده در امور زندگی خود تمسک و براساس آن حکم می‌کنند. هرگاه کسی مال دیگری یا منافع دیگری را تلف کند، ضامن است و باید غرامت آن را پردازد و چهبسا عقل و عرف قلمرو و دایره قاعده را وسیع‌تر دانسته و از مال و منافع پا را فراتر نهاده و در باب عرض و آبرو و شرف نیز آن را جاری دانسته‌اند. برای مثال در قوانین راهنمایی و رانندگی رانده مختلف مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد و یا در صورت تصادف منجر به قتل دیه را از او می‌گیرند یا اگر سبب نقص عضو طرف مقابل بشود، به میزانی که در شرع مقدس معین شده به خسaran دیده دیه می‌پردازد.

مباحث حقوق مدنی هم به همین نحو است (طباطبائی، ۱۳۹۳: ۲۷۹).

۲-۳- شرایط تحقق مسؤولیت کیفری

همراه با مقررات قانونی، حقوقدانان کیفری هم در تعریف سبب و درباره شرایط تحقق مسؤولیت کیفری مسبب، مطالب مشابهی دارند. عبدالقدار عوده درباره سبب می‌گوید: «سبب آن است که جرمی را با واسطه ایجاد می‌کند، متنها علت جرم نیست، چنانکه اگر نباشد، جنایت نیز محقق نمی‌شود، ولی وقوع آن نیز با وقوع نتیجه ملازمه ندارد. مثل وقتی که شهادت به قاتل بودن کسی دهنده و درنتیجه آن حکم قصاص او صادر شود. در این حالت، علت مرگ طرف عمل مأمور اجرای حکم است، اما سبب این حکم شهادت شاهد می‌باشد که مستقیماً مرگ طرف را حاصل نمی‌کند» (عوده، ۱۳۷۳: ۱۷۹).

حقوقدانان کیفری برای تحقق مسؤولیت کیفری مسبب در جرایم هم حصول شرایطی را که تأییدکننده فرضیه یگانگی سببیت در فقه، حقوق مدنی و کیفری است به شرح ذیل لازم می‌دانند:

۱-۲-۳- همراهی دو عنصر تقصیر و سوءیت با فعل فاعل
فعل فاعل باید همراه با تقصیر و سوءیت باشد (صانعی، ۱۳۸۲: ۳۲۴). مسؤولیت ناشی از تسبیب نیاز به فعلی دارد که از لحاظ حقوق کیفری نهی شده باشد. مثلاً تاجر اسلحه‌ای که جواز این نوع تجارت را دارد، سلاح به شخصی بفروشد که او نیز جواز حمل آن را دارد، ولی او با این سلاح ثالثی را به قتل می‌رساند، در این حالت، نمی‌توان فروشنده سلاح را سبب جنایت دانست چون عمل او غیرقانونی نیست. (نجیب‌حسنی، ۱۳۸۶: ۵۵).

۲-۲-۳- تحقق نتیجه مجرمانه

برای تحقق مسؤولیت کیفری، خسارت و به عبارت دیگر، نتیجه مجرمانه باید محقق شود (صانعی، ۱۳۸۲: ۳۲۴). بر فرض، عمل مجرمانه‌ای واقع شود، اما نتیجه‌ای را بهار نیاورد، دلیلی برای ایجاد مسؤولیت کیفری وجود ندارد. به همین جهت، بحث مسؤولیت ناشی از تسبیب فقط در جرایم مقید اهمیت دارد، زیرا در جرایم مطلق صرف ارتکاب عملی خاص جرم محسوب می‌شود و مجازات در پی دارد و تحقق نتیجه اهمیتی ندارد (پوربافرانی، ۱۳۸۸: ۶۰). برای مثال صرف ارائه سند مجعل جرم است، چه ارائه‌کننده سند بهره‌ای از آن سند ببرد و چه بهره‌ای نبرد، در حالی که در جرم قتل که جرمی مقید است تا

قصیر در فعل مسبب برای اثبات مسؤولیت کیفری پی برد (صادقی، ۱۳۷۶: ۸۰-۸۴؛ پوربافرانی، ۱۳۸۸: ۶۵-۶۶).

شرط دوم نیز مانند مباحث حقوق مدنی وقوع جنایت یا ایراد خسارت، درنتیجه عمل مسبب می‌باشد، همان‌طور که در ماده ۵۰۶ قانون مجازات‌اسلامی هم ذکر شده است: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند...»، پس، تا نتیجه مجرمانه حاصل نشود، نمی‌توان برای مسبب مسؤولیتی درنظر گرفت، حتی اگر فعل او خطأ بوده باشد و از نظر عرف و قانون، سرزنش شود.

شرط سوم، برگرفته از ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی است که بیان می‌کند: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است، مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد». این شرط هم دقیقاً در مباحث حقوق مدنی وجود دارد که به آن اشاره شد. ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که جایگزین این ماده شده است، بدون اینکه از لحاظ ماهیتی تفاوتی با آن داشته باشد، اصطلاح سبب اقوای از مباشر را به کار نگرفته است. طبق این ماده: «... در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاہل، صغیر غیرمیز یا مجذون و مانند آن‌ها باشد، فقط سبب ضامن است». بدیهی است علت ضامن بودن سبب در این موارد اقوای بودن آن از مباشر است.

شرط چهارم این است که بی‌مبالاتی و تقصیر خود زیان دیده، یا حتی اقدام آگاهانه او بر وقوع حادثه دامن نزده باشد. برای مثال وقتی شخصی که سم در غذای او ریخته شده، متوجه وجود سم شده و آن را عالمًا و عمدى می‌خورد، نمی‌توان سبب را قاتل دانست. یا وقتی شخصی که چاهی در مسیر او حفر شده، متوجه وجود چاه شده و عالمًا عمداً خود را درون آن می‌اندازد، نمی‌توان حفر کننده، یعنی سبب را قاتل دانست.

زیرا در این حالت‌ها، ورود ضرر مشمول قاعده اقدام می‌شود و زیان دیده خود، مسؤول زیان وارد بر خویش است. همان‌طور که در ذیل ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز گفته شده است، اگر عابر آسیب‌دیده با وجود وسعت راه و محل عمداً با وسائل مستقر در محل غیرمجاز برخورد کند، دیگر نمی‌توان مسؤولیتی برای کسی که آن‌ها را گذاشته است، درنظر گرفت. به هر حال، این شرط هم به امور کیفری اختصاص ندارد و در

۴-۳- موجبات ضمان در حقوق کیفری

قانون مجازات اسلامی در بحث موجبات ضمان، از روش خاصی پیروی نکرده است، بلکه مواد به گونه‌ای تنظیم شده که گاه عناوینی مانند «مباشر» و «سبب» دارای موضوعیت می‌باشد، چنانکه ماده ۳۶۳ موهمن این معناست. گاه نیز چنین برخی مواد به گونه‌ای است که گویی عدوانی‌بودن عمل، معیار ضمان است؛ در مواد ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۴ و ۳۶۴ این امر مشهود می‌باشد. از برخی مواد نیز استفاده می‌شود که تقصير، عامل تعیین‌کننده ضمان است. مواد ۳۴۷، ۳۵۱ و ۳۵۳ و ۳۵۷ را باید از جمله این مواد دانست. از ظاهر موادی مانند ۳۴۲، ۳۶۰ و ۳۶۱ نیز چنان برمی‌آید که صرف استناد، برای ضمان کافی می‌باشد. در جمع این مواد باید گفته: صرف استناد عرفی، جهت ضمان کفایت می‌کند، اما عدوانی‌بودن عمل و تقصير (اعماز سهل‌انگاری، بی‌احتیاطی و رعایت نکردن مقررات)، از عناصری هستند که موجب استناد عرفی حادثه به عامل آن می‌شوند. بنابراین، بازگشت موارد دیگر نیز به ضابطه «استناد» است، حتی دلیل اینکه در صورت اجتماع سبب و مباشر، قانون گذار، مباشر را ضامن می‌داند، آن است که در نظر وی با وجود مباشر، دیگر حادثه به سبب منتبه نیست و نه آنکه با وجود انتساب حادثه به سبب، اثر آن منتفی تلقی شده باشد (علیدوست و بای، ۱۳۹۱: ۷۴-۷۱).

در مواد قانون مدنی و قانون مجازات، نمی‌توان موردی را یافت که استناد عرفی وجود نداشته باشد، ولی ضمان ثابت باشد، اما موارد متعددی مشاهده می‌شود که عمل مشروع بوده، ولی ضمان ثابت است (مانند ضمان طبیب در صورت عدم اخذ برائت) و نیز مواردی که تفریطی صورت نگرفته، ولی ضمان وجود دارد (مانند ضمان صاحب خانه در قبال صدماتی که حیوان درون منزل به میهمان وارد می‌سازد).

۵-۳- تعیین شخص ضامن در اجتماع موجبات

گاه اجتماع سبب با مباشر، اجتماع چند سبب با هم، یا اجتماع چند مباشر با هم که از آن به تراحم یا اجتماع اسباب نیز تعبیر می‌شود - جنایت یا خسارت را به وجود می‌آورند.

بحث اجتماع مباضرین، در قانون مجازات اسلامی به دو صورت تصویر شده است:

نتیجه سلب حیات واقع نشود، نمی‌توان جرم را محقق دانست و مسؤولیتی را بر عهده سبب یا مباشر گذاشت (طاهری‌نسب، ۱۳۸۸: ۶۵). در جرایمی که ترتیب نتیجه بر رفتار متهم ملاک نیست، حصول نتیجه نیز اهمیت ندارد. در حقوق کشورهای عربی نیز راجع به این مسئله بحث شده است و گفته‌اند: «در جرایمی که بدون حصول نتیجه، محقق می‌شود، رابطه سببیت جایی ندارد» (نجیب‌حسنی، ۱۳۸۶: ۷۱).

۳-۲- اثبات رابطه سببیت

اثبات رابطه سببیت میان فعل انجام گرفته و نتیجه مجرمانه است که درنتیجه آن مسؤولیت کیفری محقق می‌شود. به این مفهوم که به طور عرفی و منطقی، باید بتوان عملی را که انجام گرفته علت نتیجه مجرمانه دانست و با اثبات این رابطه می‌توان نتیجه زیان‌بار را به فاعل منتبه کرد.

۳-۳- اجتماع سبب و مباشر در حقوق کیفری

بحث دیگری که درباره مسؤولیت مسبب مطرح است، راجع به اجتماع سبب و مباشر می‌باشد. در امور کیفری نیز دقیقاً مانند امور مدنی که بیان شد، در صورت اجتماع سبب و مباشر اصولاً مباشر مسؤول است، مگر اینکه سبب اقوای از آن باشد. برای مثال اگر کسی چاهی بکند (سبب) و دیگری فردی را داخل چاه بیندازد (مباشر)، در این حالت مسلمًاً مباشر مسؤول است (شهید ثانی، ۱۳۷۴: ۲۰۶). اما اگر سبب اقوای از مباشر باشد، مثل اینکه مباشر، جاهل، حیوان، صغیر با مجnoon باشد، مسؤولیت بر عهده سبب می‌باشد، چون مباشر در اینجا فقط در حکم وسیله است یا کسی در اثر شهادت دروغ محکوم به فصاص شود و مأمور اجرای حکم، او را بکشد. در این مثال هم مباشر همان مأمور اجرای حکم می‌باشد، ولی چون علت حقیقی مرگ شهادت مسبب است و مباشر نسبت به حقیقت جاهل بوده، نمی‌توان مباشر را مسؤول دانست. گاهی نیز با وجود آنکه نقش مسبب انکارنشدنی است، باز هم نمی‌توان مسبب را مسؤول دانست، مثل اینکه مجني علیه در ایراد خسارت به خودش، نقش داشته باشد. مانند اینکه در راه عبور وسیله نقلیه‌ای بایستد، به گونه‌ای که راننده اتومبیل نتواند آن را پیش‌بینی کند و از تصادف با مجني علیه جلوگیری کند. در این حالت نیز مسؤولیت مسبب منتفی می‌باشد، چون مجني علیه خودش علیه خود، اقدام کرده است.

جنایت علیه خود و طرف مقابل دانسته شده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۷۲).

در صورت کوتاهی و تقصیر یک طرف و تقصیر نداشتن طرف مقابل، چگونه می‌توان ضمانت را متوجه هر دو دانست و بین آن‌ها تفاوتی قائل نشد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت: بدون تردید، اقتضای اطلاق متن قانون و بسیاری از متون فقهی - چنانکه گذشت - نبودن تفاوت بین فرض تقصیر و غیرقصیر است؛ مگر اینکه حادثه به نحوی باشد که «تصاصم» بر آن صدق نکند، ولی برخی فقهاء در فرض تقصیر یکی از طرفین تصاصم، طرف غیرمقصر را ضامن نمی‌دانند (موسی اردبیلی، ۱۴۱۶: ۳۱؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۱۵؛ مدنی کاشانی، ۱۴۰۸: ۶۳).

وجه یا دلیل نظریه هر دو گروه، روشن است: گروه نخست با استناد به اینکه تقصیر و عدم تقصیر در اسناد اتفاف نقشی ندارد و آنچه موجب ضمانت می‌شود، اسناد اتفاف می‌باشد و این اسناد در هر دو فرض وجود دارد، نظر خود را توجیه پذیر می‌دانند.

در مقابل، گروه دوم مدعی است: ضمانت تنها در صورت تحقق تسبیب و تعدی است و از این روی، فقط مقصر ضامن می‌باشد.

به نظر می‌رسد، نه قول مشهور به اطلاعش پذیرفتنی باشد و نه قول مقابل آن؛ بلکه باید گفت: هرگاه راننده‌ای مقصر با راننده غیرمقصر تصاصم کند، سه حالت متصور است:

۱- علت حادثه فقط راننده مقصر است و راننده غیرمقصر در نظر عرف هیچ‌گونه مدخلیتی در تصادف ندارد. در چنین فرضی، فقط راننده مقصر ضامن است؛ مانند آنکه راننده‌ای به دلیل انحراف به چپ و تغییر مسیر ناگهانی، با اتونمیلی که از سمت مقابل و با سرعت مجاز در حال حرکت می‌باشد، برخورد کند. در این صورت، فقط راننده مقصر ضامن خواهد بود؛ زیرا تصاصم تنها به او منتنسب است.

۲- علت حادثه و تصاصم، رفتار هر دو راننده است. در این صورت که انتساب به هر دو طرف وجود دارد، هریک از دو راننده، ضامن نصف دیه راننده مقابل، خسارت‌های وارد بر خودروی او، و نصف دیه تمام سرنشیینان هر دو خودرو می‌باشد.

۳- علت حادثه و تصاصم، راننده غیرمقصر بوده و راننده مقصر با اینکه در رانندگی خود تغیریت کرده است (مانند اینکه فاقد

۱-۵-۳- صورت اول

مربوط به جایی است که چند نفر جنایتی را در حق شخص خاصی مرتكب شوند که از آن در اصلاح، به شرکت در جنایت تعبیر می‌شود. فصل سوم از باب نخست کتاب قصاص قانون مجازات، به این نوع اختصاص یافته است.

۲-۵-۳- صورت دوم

مربوط به جایی است که دو یا چند نفر هم‌زمان در حق یکدیگر جنایت کنند که این حالت، اشتراک در جنایت نامیده می‌شود. باب ششم از کتاب دیات قانون مجازات، به بیان احکام این قسم اختصاص یافته است.

صرف نظر از اینکه آیا این تقسیم‌بندی درست است یا نادرست، باید توجه داشت که در شرکت، یک طرف جانی و طرف دیگر مجنی‌علیه می‌باشد و در اشتراک، یک طرف در عین حال که جانی است مجنی‌علیه نیز هست. بحث شرکت در جنایت به‌طور مبسوط در کتاب‌های مختلف بررسی شده است. از این‌رو، در این گفتار از بحث اجتماع مباشرين، تنها به اشتراک در جنایت، در کنار موضوع اجتماع اسباب و اجتماع سبب و مباشر، اشاره می‌شود. بدیهی است نتیجه‌ای که در اینجا از بحث اجتماع موجبات به‌دست می‌آید، در بحث شرکت در جرم نیز اثرگذار می‌باشد؛ از جمله، مسؤولیت مشترک شرکای جرم را در فرضی که شدت عمل آن‌ها متفاوت است، زیر سؤال می‌برد، بهخصوص در مواردی که این تفاوت بسیار زیاد باشد.

۳- اجتماع مباشرين (اشتراک در جنایت)

آنچه را قانون مجازات اسلامی در مواد ۳۳۴ و ۳۳۵ مقرر داشته، ترجمه فرعی است که در بسیاری از متون فقهی با عنوان «إذا اصطدام حران بالغان عاقلان فماتا أو مات أحدهما»، در باب مباشرت ذکر شده است. مفروض فقهایی که متعرض این مسأله شده‌اند، این است که دو نفر سواره یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده، به‌هم برخورد کند و هر دو با یکی از آن‌ها کشته شود، بنابراین، در صورتی که کسی بر اثر برخورد وسیله نقلیه کشته شود، از مفروض بحث خارج می‌باشد. فقیهانی که متعرض این مسأله شده‌اند، نوعاً بین صورت تغیریت و تقصیر و غیر آن در ضمانت، فرقی نگذاشته‌اند و تنها در صورتی که یکی از طرفین تصاصم، در ایجاد تصاصم نقشی نداشته باشد، از وی سلب مسؤولیت کرده‌اند. علت ضمانت طرفین تصاصم، شرکت آن‌ها در

تصادف نداشته است، فقط طرف مقصو ضامن است، بهدلیل اینکه عرف در چنین مواردی، تصادم را تنها به یک طرف منتب می‌کند. روایتی از امام موسی کاظم (ع) نیز مؤید این معناست. در این روایت آمده است: زمانی که قائم ما قیام کند، به سواران چنین فرماید که از وسط عبور کنند و رهگذران پیاده از دو کناره معبرا. در این صورت، اگر سواری به کناره معبرا آمده، مرکش آسیبی به پیادگان برساند، ضامن خواهد بود و اگر پیاده‌ای به وسط عبور آمد و از ناحیه مرکب ما زیانی ببیند، دیه‌ای به او تعلق خواهد گرفت (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۲۴۳).

۷-۳- اجتماع سبب و مباشر

به نظر مشهور فقهیان، در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است؛ مگر اینکه سبب قوی‌تر از مباشر باشد (محقق حلى، ۱۴۰۹: ۱۲۰۸). به این حکم در ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۳۲ قانون مدنی نیز تصریح شده است.

برخی فقهاء در این مسأله ادعای اجماع یا عدم خلاف کرده و آن را از مسلمات شمرده‌اند، ولی در مورد ضامن مباشر در صورت اجتماع آن با سبب، روایت خاصی وارد نشده است که بتوان به اطلاق آن عمل کرد؛ همچنانکه در این مورد اصلی وجود ندارد که ضامن را متوجه مباشر کند.

به طورکلی، در مورد اجتماع سبب و مباشر، سه حالت متصور است:

۱- مباشر قوی‌تر از سبب است: در این صورت به اعتقاد مشهور فقهیان، تنها مباشر ضامن می‌باشد و سبب مسؤولیتی ندارد (شهید ثانی، ۱۴۱۷: ۳۸۰).

طبق این دیدگاه، هرگاه شخص «الف» چاهی حفر کند و شخص «ب» فردی را به درون آن بیندازد، شخص «ب» ضامن خواهد بود. دلیل ضامن شخص دوم (مباشر)، آن است که اتلاف فقط به او منسوب می‌باشد.

برخی فقهاء بر ضامن مباشر بهدلیل قوی‌تر بودن آن، چنین اشکال کرده‌اند:

این حکم، جای تأمل دارد؛ زیرا قوی‌تر بودن مباشر، ضامن را از عهده مسیب برنمی‌دارد؛ چون مقتضی ضامن، نسبت به او نیز وجود دارد.

مهارت لازم در رانندگی بوده یا سرعت زیاد و غیرمعارف داشته و یا ...) اما تفریط او هیچ‌گونه مدخلیتی در تصادم ندارد. در این صورت، فقط راننده غیرمقصر ضامن می‌باشد؛ برای مثال، هرگاه اتومبیلی که در حال حرکت است ناگهان دچار نقص فنی غیرقابل پیش‌بینی مانند بریدگی ترمز و امثال آن شود و راننده آن برای اینکه با عابران پیاده برخورد نکند، تغییر مسیر ناگهانی داده، به خودرویی که از جهت مقابل در حرکت است، برخورد کند، در این صورت راننده‌ای که تغییر مسیر داده، ضامن می‌باشد، زیرا او علت حادثه بوده و اتلاف به او منتب است، هرچند مرتكب تقصیری نشده و اما راننده دیگر با اینکه مرتكب تقصیر شده، اما از آنجا که این تقصیر مدخلیتی در تصادم نداشته، ضامن نیست.

ظاهراً نظر مشهور نیز جز این نیست و اگر بین مقصو و غیرمقصر تفکیک نکرده‌اند، نظر به موردی داشته‌اند که حاده به هر دو منسوب می‌باشد. شاهد این احتمال، عبارت‌های برخی فقهاء قائل به مشهور است که در نهایت، معیار را استناد حاده به هر دو یا یکی دانسته‌اند (فضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۷۲).

علاوه‌بر آن، می‌توان اطلاق کلام فقهایی را که در صورت تصادم مقصو و غیرمقصر، فقط راننده مقصر را ضامن می‌دانند - چنانکه از لابه‌لای کلام آن‌ها به دست می‌آید - ناظر به موردی دانست که نقش راننده مقصر به‌گونه‌ای است که علت تصادم و حاده فقط اوست؛ درحالی که طرف غیرمقصر هیچ‌گونه دخلات و علیتی در تصادم و حاده نداشته است. به این ترتیب، می‌توان گفت که اصولاً نزاعی بین قول مشهور با قول مخالف در مسأله وجود ندارد.

آنچه موجب ضامن طرفین تصادم در باب اشتراک در جنایت است، مسأله انتساب تصادم به طرفین می‌باشد، بدون اینکه تقصیر و عدم تقصیر، در اثبات و نفی ضامن تاثیر مستقیم داشته باشد؛ هرچند گاه نداشتن تقصیر، در نفی استناد حاده به شخص، تأثیر دارد. در چنین مواردی، عمل یکی از طرفین تصادم، به قسمی است که از نظر عرف عام یا خاص، تصادم فقط به او منتب است؛ از این‌رو فقط او ضامن می‌باشد. بنابراین، هرگاه علت تصادم، تخلف یک طرف از مقررات راهنمایی و رانندگی باشد، مانند آنکه علت تصادم، نادیده گرفتن وضعیت چراغ قرمز، انحراف به چپ و ... باشد، درحالی که طرف دیگر تصادم، هیچ‌گونه تقصیری مرتكب نشده و نقشی در ایجاد

قرار داده شود که اگر چنین شود، انتساب صدمه گاه فقط متوجه مباشر، گاه متوجه سبب و مباشر، و گاه فقط متوجه سبب خواهد بود.

(۳) سبب قوی‌تر از مباشر است: هرگاه سبب قوی‌تر از مباشر باشد، به اعتقاد مشهور فقیهان ضمان متوجه او خواهد بود.

در برابر این دیدگاه، برخی قوت سبب را نیز همچون قوت مباشر عامل ضمان نمی‌شناسند؛ بهدلیل اینکه قوی بودن سبب، مسؤولیت را از دوش مباشر به طور کامل برنمی‌دارد، مگر آنکه اساساً استنادی به مباشر وجود نداشته باشد.

به‌نظر می‌رسد، هرگاه اجتماع سبب و مباشر، موجب جنایتی شود، مقتضای قاعده آن است که ضمان متوجه عاملی شود که تلف یا خسارت به او منسوب است؛ خواه عامل یاد شده سبب باشد یا مباشر و اگر حادثه به هر دو استناد عرفی داشته باشد، هر دو ضامن خواهند بود، حتی اگر تأثیر یکی از این دو عامل، کمتر از دیگری باشد، باز هم می‌توان در صورت استناد عرفی حادثه، هر دو را ضامن شمرد. بنابراین، معیار ضمان، با توجه به فقدان نص خاص و عدم خصوصیت مباشرت، تنها استناد عرفی حادثه است و اما اینکه مشهور فقیهان در اجتماع سبب و مباشر، در صورت قوی‌تر نبودن سبب، حکم به ضمان مباشر داده‌اند. چنانکه گفته شد بدان دلیل است که ایشان در حالت اجتماع سبب و مباشر، استناد حادثه به مباشر را مفروض گرفته‌اند، نه آنکه با وجود صحت استناد به هر دو عامل، فقط قائل به ضمان مباشر باشند. شاهد این ادعا، عبارات برخی از قائلان به قول مشهور است؛ از جمله برگانی می‌نویسد:

هرگاه مجتمع شود سبب و مباشر، ضامن است مباشر به شرط قوت مباشر و رجحان او یا تساوی هر دو در قوت به اتفاق اصحاب، زیرا که در عرف، استناد فعل از قتل و اتلاف در این صورت به مباشر داده می‌شود (برگانی، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

چنانکه پیش از این نیز بیان شد، از آنجا که ضابطه ضمان، صحت استناد عرفی جنایت است و از سوی دیگر نص خاصی در موارد اجتماع سبب و مباشر وجود ندارد که موجب عدول از ضابطه شود، به ناچار باید دید در موارد اجتماع سبب و مباشر، استناد جنایت به مباشر است یا سبب و یا هر دو. حکم به ضمان مباشر در موارد تساوی نقش سبب و مباشر، برخلاف مبنای پذیرفته شده فقهاست. مثال‌هایی که فقها در موارد

با کاوش در متون فقهی، به‌نظر می‌رسد مشهور فقها به مصدق روشی از اجتماع سبب و مباشر نظر داشته‌اند که استناد تلف در آن موارد، متوجه مباشر بوده است؛ و گرنه بعيد است آن‌ها در تمام مواردی که سبب به ظاهر قوی‌تر از مباشر نیست، ضمان را تنها متوجه مباشر بدانند. برای مثال، هرگاه شخصی که شنا می‌داند، در دریا و در فاصله چند کیلومتری ساحل باشد و دو نفر دیگر با تبانی هم، یکی او را به دریا بیندازد و دیگری قایق وی را از دستریش دور کند، بعيد است که تنها نفر اول (مباشر) را ضامن بدانند؛ چه اینکه عمل او به‌تهاهای نمی‌توانست تلف را به‌دبیال داشته باشد، بلکه در نظر عرف، دور کردن قایق از دستریس، موجب تلف شده است یا دست‌کم انتساب تلف به هر دو وجود دارد. با اینکه این مورد، از موارد قوی‌تر بودن سبب در کلمات فقها شمرده نشده است که مسؤولیت دورکننده قایق با آن توجیه شود. همچنین اگر شخصی با تبانی دیگری، فرد ثالثی را مجرح کند و شخص دیگر با بستن در به روی او، مانع خروج مجرح از اتاق شود، در صورتی که جراحت به‌گونه‌ای باشد که به آسانی درمان می‌شود، ولی عدم امکان خروج از آن محل و متنفی شدن درمان، موجب مرگ مجرح گردد، در این مورد نیز حکم به ضمان مباشر (مجرح‌کننده) و تبرئه سبب (قفل‌کننده در) از ضمان، مشکل به‌نظر می‌رسد.

(۲) مباشر و سبب با هم مساوی هستند: در این فرض نیز مشهور فقیهان تنها مباشر را ضامن می‌دانند.

دلیل ضمان مباشر در این حالت نیز استناد تلف به مباشر ذکر شده است (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۱۰۴).

در برابر دیدگاه مشهور، برخی فقها ضمان هر دو را ترجیح داده‌اند (رشتی، ۹۱: ۱۳۲۲) و برخی دیگر نیز تعیین شخص مسؤول را به داوری عرف واگذار کرده و گفته‌اند:

از آنجا که منشأ و علت ضمان - همان‌گونه که از نصوص و فتاوی استفاده می‌شود - اتلاف است، معیار، صدق عنوان مختلف می‌باشد (که هر جا عنوان تلف‌کننده صادق باشد، ضمان ثابت است) و اما علت طرح مباحثی مانند سبب و مباشر در عبارات فقها تنها به جهت قاعده‌مند ساختن مصاديق تلف عرفی می‌باشد؛ و گرنه هیچ دلیلی بر (موضوعیت) عنوانی چون سبب و مباشر و مقدم بودن یکی بر دیگری نسبت به ضمان وجود ندارد. پس شایسته است که معیار ضمان، صدق (انتساب) عرفی

احراز انتساب و استناد خسارت به فعل متلف یا مسبب لازم است. در صورت اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع اسباب، باید توجه داشت که کدامیک از مباشر، سبب یا اسباب از نظر نقل و موازنی در انتساب عمل به آن بر دیگری برتری دارد تا بتوان آن را ضامن شمرد، در صورت تساوی ضمان بر عهده جمع خواهد بود.

- بخش قابل توجهی از مواد قانونی، به اتلاف به تسیبی اختصاص داده شده است. مواد ۳۱۶، ۳۱۸ و ۳۴۰ الی ۳۶۶ قانون مجازات اسلامی و نیز مباحث مربوط به تسیبی در قانون مدنی، موضوع مواد ۳۳۱ الی ۳۳۵ از اهم این مباحث هستند.

با توجه به اهمیت و کارامدی این مسئله در امور قضایی، قوانین ما نتوانسته تعریف دقیقی از «سبب» ارائه دهد و همین امر موجب شده تا برخی حقوقدانان از سویی و قضات از سویی دیگر، در تشخیص ملاک و معیار و بالتبغ، تشخیص مصاديق تسیبی دچار مشکل شوند.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر: از تمام کسانی که بنده را در تهییه این مقاله باری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارم.

سهم نویسنده‌گان: نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهییه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

تضاد منافع: این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ الف. منابع فارسی

- انتظاری، علیرضا و محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۱). «نقش قواعد اتلاف و تسیبی در مسؤولیت مدنی زیست محیطی». *مطالعات اسلامی: فقه و اصول*، ۴۴(۸۹): ۶۱-۴۱.

- آقایی‌نیا، حسین (۱۳۸۵). حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اشخاص). چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

- آل فقیه عاملی، محمدتقی (۱۳۸۲). *قواعد الفقهیه*. لبنان: بی‌نام.

اجتماع سبب و مباشر نقل کرده‌اند، به گونه‌ای است که استناد تلف و صدمه به مباشر در آن موارد، نزدیک به ذهن است:

۱- شخصی اقدام به ریختن نفت و سوزاندن دیگری می‌کند یا گاز مسموم و کشنده را در فضای اتاق منتشر می‌سازد و شخص ثالثی که با مرتكب تبانی کرده است، در را به روی مجنبی‌علیه می‌بندد و مانع فرار و نجات او می‌شود، در حالی که اگر در روی مجنبی‌علیه بسته نمی‌شد، مصدوم به آسانی قادر به نجات جان خویش بود. آیا در این مورد، عرف به صرف اینکه مسدود‌کننده در، نقش سببی در وقوع نتیجه داشته است، مبرا از مسؤولیت شناخته می‌شود؟

۲- دو نفر به قصد قتل و با تبانی یکدیگر، یکی جراحتی بر دیگری وارد می‌سازد و دومی، مجنبی‌علیه را به استفاده از دارویی مضر راهنمایی می‌کند و مجنبی‌علیه بر اثر جراحت و آثار درارویی مضر می‌میرد. در این صورت که قتل، هم مستند به جراحت است و هم استفاده از دارویی مضر، آیا می‌توان مسبب را (کسی که مجرح را به استفاده از دارویی مضر فریفته است) به صرف اینکه به صورت مباشر در جایی نشی نداشته، شریک در جایی ندانست؟

۳- سه نفر با هم نقشه قتل شخصی را می‌ریزند و او را به دریا می‌برند. نفر اول، او را از قایق به دریا می‌اندازد؛ نفر دوم قایق را از دسترس مجنبی‌علیه خارج می‌سازد؛ و نفر سوم نیز گشت ساحلی را از منطقه دور می‌کند تا مجنبی‌علیه را نجات ندهند. در صورتی که صرف به دریا انداده، به دلیل آشناشی مجنبی‌علیه با فنون شنا، موجی برای مرگ نباشد، بلکه ماندن طولانی در دریا و خستگی از شنا، به پایان استقامت و مرگ او بینجامد، آیا می‌توان فقط مباشر را ضامن دیه یا قصاص - حسب مورد- دانست؟

نتیجه‌گیری

- تسیبی یکی از اسباب و موجبات ضمان قهری است و از آنجایی که مسؤولیت مذبور بدون قرارداد و عقد حاصل می‌شود، آن را قهری می‌گویند.

- در تسیبی، جهت اثبات ضمان، قصد و علم به اضرار شرط نیست. ازین‌رو اگر مرتكب، چه با قصد و نیت اضرار به غیر و چه بدون قصد مبادرت به عمل کند، در هر حال ضامن خواهد بود. همچنین در اثبات ضمان، چه در اتلاف و چه در تسیبی،

- علیدوست، ابوالقاسم و بای، حسینعلی (۱۳۹۱). «معیار ضمان». *فقه اهل بیت علیهم السلام*، (۷۱): ۱۰۵-۴۲.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲). *موجبات ضمان*. چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶). *قواعد فقه (بخش خصوصی)*. چاپ نخست، تهران: سمت.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹). *حقوق مدنی (ضمان قهری)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلدویان، ایرج (۱۳۸۰). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*. چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
- لطفی، اسدالله (۱۳۸۱). *قواعد فقه مدنی*. چاپ نخست، تهران: انتشارات سمت.
- محسنی، فرید و ملکوتی، نصیر (۱۳۹۲). «رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲)». *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۹ (۹۱): ۱۶۰-۱۳۶.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۶). *قواعد فقه (بخش مدنی)*. چاپ شانزدهم، تهران: نشر علوم اسلامی.
- محمدصادقی، حسین (۱۳۸۷). *حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)*. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۴). *قواعد فقه*. چاپ دوم، تهران: نشر یلدا.
- مرعشی شوشتاری، محمدمحسن (بی‌تا). «(قاعده تسیبیب)». *دیدگاه‌های حقوقی*، (۲): ۲۱-۱.
- مرعشی، محمدمحسن (۱۳۷۹). *دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام*. چاپ نخست، جلد دوم، تهران: انتشارات میزان.
- مشایخی، قدرت‌الله (۱۳۸۲). *قاعده‌های فقهی*. چاپ نخست، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- میرحسینی، احمد و آب‌سواران، حسن (۱۳۹۳). «بازبیوهی قاعده تسیبیب و نقد قوانین آن، آموزه‌های فقه مدنی». *دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، (۱۰): ۱۹۷-۱۲۵.
- پوریافرانی، حسن (۱۳۸۸). *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)*. چاپ نخست، تهران: انتشارات جنگل.
- پوریافرانی، حسن، دلپاک یگانه، الهام و طباطبائی، محمدصادق (۱۳۹۳). «یگانگی یا دوگانگی تسیب در حقوق مدنی و کیفری». *حقوق خصوصی*، ۱۱ (۲): ۲۹۰-۲۶۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۵). *دانشنامه حقوق*. چاپ چهارم، جلد سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *ترمینولوژی حقوق*. چاپ هفدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حائری، علی (۱۳۸۲). *شرح قانون مدنی*. چاپ دوم، جلد نخست، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حسینی شیرازی، محمد (بی‌تا). *کتاب قصاص*. قم: دارالقرآن الحکیم.
- حسینی، محمدرضا (۱۳۸۵). *قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی*. چاپ دوم، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
- رضایی‌راد، عبدالحسین (۱۳۹۱). *درسname قواعد فقه مدنی*. چاپ نخست، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- زراعت، عباس (۱۳۸۰). *شرح قانون مجازات اسلامی*. دیات. چاپ دوم، جلد نخست، تهران: نشر ققنوس.
- زراعت، عباس (۱۳۹۲). *تحریرالعنایین (قواعد فقه به زبان ساده)*. چاپ نخست، تهران: انتشارات جنگل.
- سلیمی، صادق (۱۳۸۴). *حقوق جزای عمومی*. چاپ نخست، تهران: انتشارات تهران صدا.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۷۶). *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)*. چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۲). *حقوق جزای عموم*. چاپ نخست، تهران: انتشارات طرح تو.
- صانعی، یوسف (۱۳۷۷). *مجمع المسائل*. چاپ ۳، جلد ۱، قم: میثم تمار.
- طاهری نسب، یزدالله (۱۳۸۸). *رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان*. تهران: نشر دادگستر.

- شهید ثانی، زین الدین (۱۳۷۴). مسالک الأفہام و شرائع الإسلام. ترجمه ابوالحسن محمدی، چاپ نخست، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شهید ثانی، زین الدین (۱۳۸۶). مباحث حقوقی شرح لمعه. به کوشش: اسدالله لطفی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مجدد.
- شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۰). الروضه البهیه. چاپ نخست، جلد ده، قم: انتشارات داوری.
- شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۷). مسالک الأفہام. چاپ نخست، جلد ۱۲ و ۱۳ و ۱۵، قم: مؤسسه نشر معارف اسلامی.
- شیخ طوسی (۱۴۱۷). الخلاف. چاپ نخست، جلد پنجم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن (۱۳۸۷). المبسوط. جلد هفت، تهران: نشر مکتبه المرتضویه.
- طباطبائی یزدی، محمدکاظم (۱۴۱۹). العروه الوثقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبائی، علی، ریاض المسائل. چاپ نخست، جلد هشت، بیروت: نشر الهدای.
- عوده، عبدالقدار (۱۳۷۳). حقوق جزای اسلامی. ترجمه ناصر قربان نیا، مهدی منصوری، نعمت الله الفت، چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
- فاضل اصفهانی، محمدبن الحسن (۱۴۰۵). کشف اللثام. جلد دوم، قم: نشر کتابخانه گلپایگانی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸). تفصیل الشریعه (کتاب الديات). چاپ نخست، بی جا: نشر مرکز فقهی ائمه اطهار.
- محقق اردبیلی، احمد (۱۴۰۳). مجمع الفائد و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. تحقیق: مجتبی عراقی و دیگران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- محقق اردبیلی، احمد (۱۴۱۱). مجمع الفائد و البرهان. تحقیق: مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاردی و حسین یزدی، چاپ نخست، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- نجیب حسنی، محمود (۱۳۸۶). رابطه سببیت در حقوق کیفری. ترجمه علی عباسنیای زارع، چاپ دوم، مشهد: انتشارات علوم اسلامی رضوی.

ب. منابع عربی

- برغانی، محمدتقی (۱۳۸۲). الديات. تحقیق عبدالحسین شهیدی، چاپ نخست، بی جا: انتشارات حدیث امروز.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه. قم: آل بیت (ع).
- حسینی شیرازی، محمد (۱۴۰۹). الفقه. چاپ دوم، جلد نوی، بیروت: نشر دارالعلوم.
- حسینی عاملی، سید محواد جواد (۱۴۱۹). مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلام. تحقیق و تعلیق محمدباقر خالصی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حسینی مراغی، عبدالفتح (۱۴۱۷). عنوانین الاصول. چاپ نخست، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳هـ). قواعد الأحكام. چاپ نخست، جلد سوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۰۷). مبانی تکمله المنهاج. جلد دوم، قم: انتشارات لطفی.
- رشتی، حبیب الله (۱۳۲۲). رساله فی الغصب. تهران: چاپ سنگی.
- رشتی، حبیب الله (۱۳۸۸). کتاب الغصب. چاپ نخست، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
- سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳هـ). مهذب الأحكام فی بيان الحال و الحرام. چاپ چهارم، قم: المنار.
- شهید اول، شمس الدین (۱۴۱۱هـ). الروضه البهیه. چاپ نخست، قم: انتشارات دارالفکر.
- شهید اول، شمس الدین (۱۴۱۷هـ). غایه المراد فی شرح نکت الارشاد. چاپ نخست، جلد ۴، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

- محقق اردبیلی، احمد (بی‌تا). زبدہ البيان فی احکام القرآن. چاپ نخست، تهران: المکتبه الجعفریه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۱۶ق.). فقه الديات. چاپ نخست، قم: نشر مکتبه امیر المؤمنین.
- موسوی خوبی، ابوالقاسم (بی‌تا). مصباح الفقاھه. تقریر محمدعلی توحیدی، بی‌جا: بی‌نا.
- نجاشی، احمدبن علی (۱۴۲۴ق.). رجال النجاشی. تحقیق موسی شیری زنجانی، چاپ هفتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام. چاپ ۷، جلد ۴۳، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۳). جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام. چاپ چهارم، تهران: نشر دارالكتب الإسلامية.
- نجفی، محمدحسن (بی‌تا). جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام. تحقیق: عباس فوجانی و علی آخوندی، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربي.



Volume 3, Issue 1, 2022

A Study of the Rule of Intercession in Imami Jurisprudence and Criminal Law in the Iranian Legal System

Malihe Abolghasemi¹

1. Master Student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 17-31

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: 000000000000

Email: malihehabolghasemi@yahoo.com

Article history:

Received: 13 Oct 2021

Revised: 17 Nov 2021

Accepted: 19 Dec 2021

Published online: 21 Mar 2022

Keywords:

Rule of Intercession, Criminal Liability, Guarantee, Cause and Direction.

ABSTRACT

The rule of intercession is one of the jurisprudential rules of law regarding guarantee, which in civil law, compensation and in criminal law, punishment. The occurrence of a crime or damage to another does not always happen directly and through stewardship. Rather, in many criminal and civil matters, a person indirectly and through causation causes the loss of property to another or the commission of a crime, which, depending on the type of act committed, creates civil or criminal liability for him or both and depending on the act the cause can be intentional or unintentional, negative or positive and can be realized in various forms, including pure causation, the community of cause and effect and the community of causes; Therefore, determining the responsible person or persons in many cases, especially in the community of cause and effect and especially where the cause is stronger than the direction, is of special importance for imposing punishment or compensation. In this research, the rule of causation in criminal law is examined.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Abolghasemi, M (2022). "A Study of the Rule of Intercession in Imami Jurisprudence and Criminal Law in the Iranian Legal System". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 3(1): 17-31.